

توضیحات:

در انتها برای آشنایی بیشتر مخاطبین با حس و حال فضای پیاده روی زائران پیاده به سوی کربلا و شناخت برخی از نیازهای کاربران روایتی کوتاه از زبان یکی از زائران نقل می گردد:

"من با خواهر دو قلویم به همراه مادر و مادر بزرگم تصمیم گرفتیم برای اربعین حسینی به کربلا برویم و خدا خواست در این امر موفق شویم. اول وارد نجف شدیم و بعد از زیارت حرم امیرالمومنین(ع) و مسجد کوفه و وادی السلام با پای پیاده به سوی کربلا حرکت کردیم. هرکدام کوله پشتی داشتیم. برای مادر بزرگم که ۶۳ سال داشت ناراحت بودیم. اما انگار دیدن حرم امام حسین(ع) به او نیرویی داده بود که اصلا احساس خستگی نمی کرد و جلوتر از ما حرکت می کرد. مادرم که خیلی مواظب من و خواهرم بود، باید مواظب مادر بزرگ هم می بود. الحمدلله خداوند به او هم یک نیرو و روحیه خوبی داده بود.

خدای من! چقدر از نجف تا کربلا دیدنی بود. موبک های کنار هم، حسینه ها، ایستگاه های پذیرایی از زائران به موقع صبحانه و نهار و شام پذیرایی می کردند و جالب تر که در بعضی از موبک ها به خانم ها و آقایان جوراب هدیه می دادند. بعضی از موبک ها پرچم تبرکی می دادند. من از تمام این صحنه ها عکس و فیلم گرفتم. موبک هایی را دیدم که کفش های مردان را واکس می زدند و برای پانسمن پاها و ماساژ و مالیدن پاهای آقایان آماده بودند. خیلی دیدنی بود احساس می کردم هرچه این واقعیت ها را می بینم به خداوند نزدیکتر می شوم.

به کربلا رسیدیم. وای خدای من! گنبد و گلدسته حرم امام حسین(ع) و (حرم) ابوالفضل العباس(ع) مرا به گریه انداخته بود. طوری که نمی توانستم جلوی خودم را بگیرم. بله مردم داشتند گریه می کردند.... لبیک یا حسین!"

برگرفته از کتاب مغناطیس حسینی - خاطرات و دلنوشته های زائران اربعین حسینی/نشر فرآهنگ اندیشه/۱۳۹۵

تصاویر غیر مرتبط به داستان و آرشیوی است.





